

پرونده در دادسرای فرهنگ و رسانه در دست رسیدگی است

زیباکلام بازداشت شد

هفدهم خرداد بود که خبر تشدید قرار نظارت قضائی صادق زیباکلام در پی نقض قرار ممنوعیت هرگونه فعالیت رسانه‌ای و تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای شد. به گزارش میزان، زیباکلام به‌تازگی در مصاحبه‌ای اظهاراتی مطرح کرد که همین مصاحبه و ادعاهای مطرح‌شده در آن منجر به اعلام جرم علیه این فرد و تشدید قرار نظارت قضائی او شد. با اعلام جرم جدید و تشدید قرار نظارت قضائی، صبح دیروز صادق زیباکلام بازداشت شد. در حال حاضر پرونده این فرد در دادسرای فرهنگ و رسانه در حال رسیدگی است.

انتصاب اعضای جدید هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمی با حکم رهبر انقلاب
حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، در حکمی اعضای جدید هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه را برای مدت پنج سال منصوب کردند. بر این اساس، ایستنا، بر این اساس حجت‌الاسلامالمسلمین حسین رحیمیان، محمد جعفری کیلانی، محی‌الدین مکارم‌شیرازی، قدمعلی اسحاقیان، محمدمهدی حقانی و محمدحسین احسانی، به همراه نماینده مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، نماینده حوزه علمیه خراسان و رئیس جامعهٔالمصطفی العالمیه، به عنوان اعضای جدید هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه منصوب شدند. جلسه تودیع اعضای اعضای جدید هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در روزهای ابتدایی خردادماه جاری با حضور حجت‌الاسلاموالمسلمین محمدیان، معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری، دکتر ایروانی، معاون نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری و اعضای سابق و اعضای جدید هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه علمیه برگزار شد. در این جلسه، ضمن تشکر از اعضای سابق و رئیس مرکز، براساس نتیجه رأی‌گیری از اعضای جدید، حجت‌الاسلاموالمسلمین حسین رحیمیان مجدداً به عنوان رئیس هیئت‌مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه انتخاب شد.

فاطمه مهارجان خبر داد: لایحه منع خشونت علیه زنان در مسير دولت اعلام کرد
لایحه فاطمه مهارجانی در حاشیه مراسم سومین سوگ استرداد است. فاطمه مهارجانی در حاشیه مراسم سومین سوگ «امین ایران» که به یاد رهبر شهید انقلاب برگزار شد، در جمع خبرنگاران اظهار کرد: رهبر شهید انقلاب نگاه‌های بلندی برگرفته از منظر قرآنی و در حوزه‌های مختلف ازجمله توجه به زنان و علم و توجه متوازن به همه موضوعات داشتند و نگاه ایشان، نگاهی آموزنده بود. او افزود: طبیعتاً سال‌های درازی باید از نگاه‌هایی که ایشان برای ما تبیین و منظرهایی که برای ما ترسیم کرد، بیاموزیم. تصویف دولت محفمین در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت لایحه منع خشونت علیه زنان در مجلس، گفت: لایحه منع خشونت علیه زنان در مسیر استرداد است. مهارجانی درباره طرح محله‌محسوری گفت: یکی از موضوعاتی که دولت به‌طور جدی دنبال می‌کند، طرح محله‌محوری است که در حال حاضر با توجه به اثری که مساجد می‌توانند داشته باشند، این نهاد مذهبی به عنوان محور اصلی طرح در نظر گرفته شده است. او ادامه داد: موضوعاتی نظیر آموزش، حمایت، بهداشت و درمان و سایر مسائل مرتبط، در این چارچوب به‌صورت کامل در حال طراحی است و وزارت کشور به همراه استانداری تهران اجرای این طرح را در یکی از مناطق آغاز کرده‌اند. سخنگوی دولت در پایان گفت: امیدوارم نتایجی که از اجرای این طرح به دست می‌آید و نقشی که زنان می‌توانند در این زمینه ایفا کنند، قابل تسری به سایر نقاط ایران باشد.

یادداشت

خطای شناختی

ایبن دانش را به فرهنگ عمومی تبدیل می‌کردیم تا فرهنگ و تمدن چندهزارساله ملتی که از تجاوزات بیگانه همچون ققنوس سر برآورده، لقلقه زبان مفسدان و فاسدان قرار بگیرد و همه ملت بدانند که مبارزه کنونی ماهیتا نمی‌تواند مقطعی باشد و نیاز به پایه‌های محکم فرهنگی، اقتصادی و رفтары با طراحی سامانه‌های مؤثر و تدابیر حاکم از شناخت کامل دارد تا شرایط عادی، هرکه نخواهد کلیس خود را از آب بیرون کشد و برعکس، همگان یکپارچه و همیشه و همواره در فکر حفظ ایران باشند.

جالب‌تر و قابل تأسفتر از همه اینها آن است که گاه شناخت خود را از دیگران وام می‌گیریم؛ مثل آنچه در این ایام درباره شناخت قدرت ایران (قدرت ایران به معنی عام کلمه نه به معنی خاص برخی پدیده‌ها در ایران) داشتیم. چنانچه می‌بینیم که برخی و البته به تعداد معدودی از افراد بیگانه وقتی می‌گویند ایران قدرت چهارم جهان شده، عطف به این سخنان آن را باور می‌کنیم و نشر می‌دهیم، غافل از آنکه ممکن است و حتی به احتمال قوی این اظهارنظر هشداری به استیکار و ضعیونیم باشد که این قدرت پا گرفته و گسترش ایران‌هراسی کند و ما به‌جای آنکه این توطئه جدید را خنثی کنیم، شناخت خود از ایران فعلی را براساس این اظهارنظرها می‌کنیم. فراموش نباید کرد که آریل شارون، کشتارک سابق صهیونیسم بارها گفته بود ایران ما هتفه است و سر این مار را باید خرد کرد. آیا نباید شناخت ما و واقعیت‌های میهنی باشد و نه بر اساس کلام دیگران؟ در این باره گفت‌وگو خواهیم کرد.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: اگر در گزارش‌های پیشین «شرق» از تلاش تهران

و واشینگتن برای حفظ رویارویی‌ها زی «سقف جنگ» سخن گفته می‌شد، حالا اما تداوم زد و خورد‌های مقطعی و به‌ویژه تحولات شامگاه سه‌شنبه و‌بامداد چهارشنبه، نشانه‌هایی متفاوت را مخابره می‌کند. آنچه در ظاهر با یک حادثه در تنگ هرمز آغاز شد، اکنون به نقطه‌ای رسیده که خطر عبور از مرزهای یک درگیری کنترل‌شده را بیش از هر زمان دیگری افزایش داده است. سقوط بالگرد آ‌پاچی آمریکا، حملات متقابل به مواضع و اهداف، تهدیدهای تازه دونالد ترامپ برای نزدیک‌بودن به صدور دستور حملات جدید به زیرساخت‌ها و هم‌زمان کاهش امیدها به پیشرفت مذاکرات، همگی مؤلفه‌های یک معادله جدید هستند؛ معادله‌ای که در آن دیپلماسی روز به روز ضعیف‌تر و میدان روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. آنچه بیش از خود تحولات میدانی اهمیت دارد، درگونی تدریجی فضای سیاسی حاکم بر بحران است. دونالد ترامپ که فقط چند ساعت پس از ماجرای سقوط بالگرد آ‌پاچی، این حادثه را موضوعی «نه‌چندان مهم» توصیف کرده بود، اندکی بعد دستور حملات علیه اهدافی در ایران را صادر کرد و عصر چهارشنبه با طرح تهدیدهایی تازه علیه زیرساخت‌های حیاتی ازجمله نیروگاه‌ها و پل‌ها، بار دیگر بر طبل تشدید تنش کوبید. این نوسان آشکار در مواضع کاخ سفید، بیش از آنکه بیانگر وجود یک راهبرد منسجم باشد، نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن تصمیم‌سازی سیاسی از ثبات و پیش‌بینی‌پذیری فاصله گرفته و هر خرداد می‌تواند بهانه‌ای برای عبور از خطوط پیشین و ورود به مرحله‌ای جدید از رویارویی باشد. در سوی مقابل نیز تهران ضمن رد مسئولیت حادثه آ‌پاچی، تاکید کرده هرگونه حمله را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. محمدباقر قالیباف، رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایرانی، شامگاه سه‌شنبه و ذیل پستی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: «ما زبان دیپلماسی را ترجیح می‌دهیم، اما زبان‌های دیگر را بسیار روان‌تر صحبت می‌کنیم. اگر تعهدات خود را بشکنید، ما به همان زبان که خودمان بهتر بلدیم، روی می‌آوریم. شما سوار همان اسبی می‌شوید که زین کرده‌اید!».

هم‌زمان با افزایش حملات متقابل، کانال‌های دیپلماتیک نیز زیر فشار قرار گرفته‌اند. مقام‌های ایرانی از دشوارشدن ادامه روند گفت‌وگوها سخن می‌گویند و میانجی‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند آخرین روزنه‌های مذاکره را حفظ کنند. اما واقعیت آن است که امروز بیش از هر زمان دیگری شکاف میان میدان و دیپلماسی عمیق شده است. اگرچه هنوز هیچ‌یک از طرفین به‌طور رسمی از پایان مسیر سیاسی سخن نمی‌گویند، اما مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد منطقه وار، مرحله‌ای شده که در آن احتمال خطای محاسباتی، سو‌برداشت و تشدید ناخواسته بحران به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است.

ترامپ روی ریل بلاتکلیفی

پیش و بیش از تحولات میدانی و تبادل آتش میان تهران و واشینگتن، آنچه در روزهای اخیر بیش از همه جلب توجه کرده، مواضع متناقض و لفاظی‌های بی‌وقفه دونالد ترامپ است؛ مواضعی که بیش از آنکه از وجود یک راهبرد منسجم حکایت داشته باشد، تصویرگر نوعی نوسان در تصمیم‌سازی سیاسی کاخ سفید است. تا پیش از شامگاه سه‌شنبه، رئیس‌جمهوری آمریکا همچنان از امکان توافق با تهران سخن می‌گفت و بار دیگر بر این ادعا تاکید داشت که مسیر دیپلماسی هنوز بسته نشده است. اما با انتشار خبر سقوط یک فروند بالگرد آ‌پاچی آمریکا در نزدیکی تنگه هرمز، لحن او به‌سرعت تغییر کرد. ترامپ در نخستین واکنش، ایران را مسئول این حادثه معرفی کرد و مدعی شد این بالگرد پیشرفته در جریان ماموریت گنست‌زنی هدف قرار گرفته است. باین‌حال، فقط ساعاتی بعد در گفت‌وگو با وال‌استریت ژورنال کوشید از اهمیت حادثه بکاهد و آن را موضوعی «موضوعی مهم» تصویف کرد و گفت خلیفان نیز در سلامت کامل به سر می‌برند. این موضع اما مدبرانه نبایید و رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر لحن تهدید‌آمیز خود را از سر گرفت و اعلام کرد واشینگتن تا‌کنیز به پاسخ خواهد بود. همین تغییرات یبایی در مواضع ترامپ، بار دیگر پرسش‌هایی را درباره سازوکار تصمیم‌گیری در دولت آمریکا مطرح کرده است. بسیاری از ناظران معتقدند رئیس‌جمهوری آمریکا بارها نشان داده فاصله میان دعوت به مذاکره و تهدید به اقدام نظامی در ادبیات او گاه فقط چند ساعت است. در همین چارچوب، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ترامپ در ابتدا تمایل چندانی به انجام اقدام لفاظی‌جویانه نداشت، اما پس از جلسه توجیهی بیت هگست، وزیر دفاع و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، نظر خود را تغییر داد. گفته می‌شود همین رازینی‌ها زمینه‌ساز موافقت نهایی او با حملاتی شد که شامگاه سه‌شنبه و بامداد چهارشنبه علیه اهدافی در ایران انجام شد؛ رخدادی که بار دیگر نشان داد معادلات سیاسی در واشینگتن تا چه اندازه می‌تواند تحت تأثیر تحولات لحظه‌ای و ملاحظات امنیتی دستخوش تغییر شود. اما ترامپ برخلاف روزهای گذشته که از توافق سخن می‌گفت، بعد از حملات صورت‌گرفته علیه ایران، روی مدار تهدید رفت و در مصاحبه چهارشنبه با فاکس نیوز مدعی شد ایران فرصت‌های خود برای توافق را از دست داده و آمریکا به مرحله‌ای نزدیک شده که ممکن است دستور حملات جدید علیه زیرساخت‌های ایران صادر شود. اشاره مستقیم او به نیروگاه‌ها، پل‌ها و تأسیسات عمرانی، بیش از هر چیز نگرانی‌ها درباره احتمال گسترش دامنه درگیری را افزایش داد. هم‌زمان ترامپ در شبکه اجتماعی خود نیز از «موفق‌ترین محاصره دریایی تاریخ» سخن گفت و ادعا کرد هیچ چیز بدون اجازه آمریکا از منطقه عبور نمی‌کند؛ البته نتانف‌گویی ترامپ حد و مرز ندارد و او روز سه‌شنبه در گفت‌وگوی دیگری ادعا کرد آمریکا احتمالاً در بازسازی خرابی‌های جنگ مشارکت کرده و در ازای آن سهمی از نفت ایران دریافت خواهد کرد؛ اظهاراتی که واکنش‌های فراوانی را به همراه داشت. در این میان، مواضع دیگر مقام‌های آمریکایی نیز تصویر پیچیده‌ای از وضعیت ارائه می‌دهد. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، همچنان بر امکان دستیابی به یک توافق هسته‌ای تأکید می‌کند و معتقد است واشینگتن باید راه‌حل دیپلماتیک را دنبال کند. در مقابل، گزارش‌هایی از فشار محافل نزدیک به اسرائیل برای اتخاذ رویکردی سخت‌گیرانه‌تر منتشر شده است. همین دوگانگی نشان می‌دهد دولت آمریکا هنوز به جمع‌بندی روشنی درباره مسیر آینده نرسیده است. از یک سو تهدید به حمله گسترده و از سوی دیگر تاکید بر امکان توافق، دو پیام متناقضی هستند که نه‌تنها تهران، بلکه متحدان واشینگتن را نیز در

«شرق» از حملات متقابل ایران و آمریکا، لفاظی‌های تازه ترامپ و شکننده‌ترشدن آتش بس گزارش می‌دهد

روایت یک شب پرتنش



از آنکه بیانگر وجود یک راهبرد منسجم باشد، نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن

تصمیم‌سازی سیاسی از ثبات و پیش‌بینی‌پذیری فاصله گرفته و هر خرداد می‌تواند بهانه‌ای برای عبور از خطوط پیشین و ورود به مرحله‌ای جدید از رویارویی باشد. در سوی مقابل نیز تهران ضمن رد مسئولیت حادثه آ‌پاچی، تاکید کرده هرگونه حمله را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. محمدباقر قالیباف، رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایرانی، شامگاه سه‌شنبه و ذیل پستی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: «ما زبان دیپلماسی را ترجیح می‌دهیم، اما زبان‌های دیگر را بسیار روان‌تر صحبت می‌کنیم. اگر تعهدات خود را بشکنید، ما به همان زبان که خودمان بهتر بلدیم، روی می‌آوریم. شما سوار همان اسبی می‌شوید که زین کرده‌اید!».

هم‌زمان با افزایش حملات متقابل، کانال‌های دیپلماتیک نیز زیر فشار قرار گرفته‌اند. مقام‌های ایرانی از دشوارشدن ادامه روند گفت‌وگوها سخن می‌گویند و میانجی‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند آخرین روزنه‌های مذاکره را حفظ کنند. اما واقعیت آن است که امروز بیش از هر زمان دیگری شکاف میان میدان و دیپلماسی عمیق شده است. اگرچه هنوز هیچ‌یک از طرفین به‌طور رسمی از پایان مسیر سیاسی سخن نمی‌گویند، اما مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد منطقه وار، مرحله‌ای شده، ابراز تاسف شده است. در متن قطع‌نامه ادعا شده است ایران از ارائه اطلاعات و دسترسی‌های مورد درخواست آژانس برای راستی‌آزمایی مواد هسته‌ای اعلام‌شده قبل خودداری کرده و آژانس به مدت یک سال قادر به راستی‌آزمایی این مواد نبوده است. قطع‌نامه یادشده که با حمایت سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان پیش برده شد، در حالی به تصویب رسید که جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر درباره سوءاستفاده غرب از شورای حکام برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات غیرقانونی خود هشدار داده بود.

وضعیت انتظار و ابهام قرار داده‌اند. نتیجه این وضعیت، افزایش بی‌ثباتی و دشوارترشدن پیش‌بینی رفتار طرف آمریکایی در روزهای آینده است.

۲ ماه لفاظی بی‌امان

لفاظی‌های دونالد ترامپ و مواضع متناقض او پدیده تازه‌ای در عرصه سیاست آمریکا نیست و طی سال‌های گذشته بارها مورد توجه ناظران، تحلیلگران و رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. باین‌حال، تحولات اخیر بار دیگر این ویژگی رفتاری رئیس‌جمهوری آمریکا را به کانون توجه بازگردانده است. فاصله کوتاه میان سخن‌گفتن از توافق و مذاکره با تهران و سپس تهدید به حملات گسترده‌تری برای تسلیحات هسته‌ای از رسانه‌ها نشانه‌ای از ابهام در راهبرد واشینگتن تلقی شده است. از همین رو، بخش درخورد توجهی از تحلیل‌ها نه در تحولات میدانی، بلکه بر چرایی این نوسانات گفتاری و پیامدهای آن برای مدیریت بحران متمرکز شده‌اند؛ نوساناتی که به باور برخی ناظران، بیش از آنکه بازتاب یک راهبرد منسجم باشد، نشانه‌ای از بلاتکلیفی در تصمیم‌سازی سیاسی آمریکاست. در این زمینه، سی‌ان‌ان با مرور مواضع دونالد ترامپ در بیش از دو ماه گذشته، روایت او درباره «نزدیک‌بودن توافق با ایران» را زیر سؤال برده و تاکید می‌کند رئیس‌جمهور آمریکا بارها از دستیابی قریب‌الوقوع به توافق سخن گفته است. بی‌آنکه نشانه‌های ملموس از تحقق آن دیده شود. به نوشته این شبکه، ترامپ از زمان اعلام آتش‌بس در اوایل آوریل تاکنون دست‌کم ۲۷ بار مدعی شده توافق با ایران بسیار نزدیک است یا تهران به‌شدت خواهان نهایی‌شدن آن است. سی‌ان‌ان یادآور می‌شود ترامپ در هفتم آوریل اعلام کرده بود دو طرف فقط دو هفته با توافق فاصله دارند و حتی از حل‌شدن یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه ابراز اطمینان کرده بود. باین‌حال، نه‌تنها توافق‌های گذشته که از توافق سخن می‌گفت، بعد از حملات صورت‌گرفته را تکرار کرد. از اواخر مارس تا پایان می، ترامپ در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، نشست‌های خبری و پیام‌های شبکه‌های اجتماعی بارها گفت ایران «به‌شدت»، «با اشتیاق» یا حتی «با التماس» به دنبال توافق است و اختلافات باقی‌مانده ناچیز هستند. این گزارش تاکید می‌کند پیش‌بینی‌های مکرر ترامپ درباره نهایی‌شدن توافق، بارها نادرست از آب درآمده است. او در مقاطع مختلف از توافق در «چند روز آینده»، «هفته آینده» یا «به‌زودی» سخن گفته، اما هیچ‌یک از این وعده‌ها محقق نشده‌اند. حتی زمانی که خود ادعان کرد پیش‌تر نیز تصور می‌کرده توافق نزدیک است ولی چنین نشده، باز هم همان روایت را ادامه داد. سی‌ان‌ان در نهایت نتیجه می‌گیرد تکرار مداوم این ادعاها، بدون آنکه پیشرفتی واقعی در روند مذاکرات مشاهده شود، باعث شده اعتبار این اظهارات زیر سؤال برود. به باور این رسانه، مشخص نیست ترامپ از روی خوش‌بینی، محاسبات سیاسی، تلاش برای آرام‌کردن بازارها یا این تصور که تکرار یک گزاره می‌تواند آن را با واقعیت تبدیل کند، چنین مواضعی اتخاذ می‌کند، اما آنچه روشن است این است که ادعای «نزدیک‌بودن توافق» دیگر بار یکی از ابزارهای چندان قابل اتکا به نظر نمی‌رسد.

از سیریک تا جاسک؛ حملات و خسارت آمریکا به زیرساخت‌های جنوب ایران

بامداد چهارشنبه استان هرمزگان به مهم‌ترین کانون تحولات میدانی تبدیل شد. گزارش‌های متعدد از قشم، جاسک، سیریک و بندرعباس حکایت از شنیده‌شدن صدای انفجارها و وقوع حملات پراننده داشت. هرچند در ساعات اولیه اطلاعات ضدوتقنیز فراوانی منتشر شد، اما به‌تدریج ابعاد خسارت‌ها روشن‌تر شد. مهم‌ترین بخش این حملات به شهرستان سیریک مربوط بود؛ جایی که دو مخزن اصلی ذخیره آب در بخش بمانی هدف قرار گرفتند. براساس اعلام شرکت آب و فاضلاب هرمزگان، یک مخزن ۵۰۰ مترمکعبی و یک مخزن دو هزار مترمکعبی به‌طور کامل تخریب شدند. این دو مخزن نقش اساسی در تأمین آب شرب شهر کوهدشت و ۱۰ روستای منطقه داشتند.

در نتیجه این محله، بیش از ۲۰ هزار نفر با مشکل جدی تأمین آب مواجه شدند. مقام‌های محلی اعلام کردند تخریب آب در بخش وسیعی از منطقه متوقف شده و تیم‌های عملیاتی در حال تلاش برای ایجاد مسیرهای جایگزین هستند. برآورد اولیه خسارت‌ها بیش از ۱۴۰ میلیارد تومان اعلام شد؛ رقمی که فقط بخشی از هزینه‌های مستقیم این حمله را نشان می‌دهد. هم‌زمان در جاسک و برخی نقاط ساحلی دیگر نیز اصابت پرتابه‌ها تأیید شد. گزارش‌هایی از انفجار در قشم، بندرعباس و کوه مبارکه منتشر شد. هرچند برخی خبرهای اولیه بعداً تکذیب یا افصح شدند. در قشم مقام‌های محلی اعلام کردند هیچ بندر تجاری هدف قرار نگرفته است، اما وقوع چند انفجار را تأیید کردند. ابعاد اقتصادی این تحولات نیز بلافاصله آشکار شد. قیمت نفت به بیش از ۹۲ دلار رسید و بازارهای جهانی نسبت به احتمال اختلال در امنیت انرژی واکنش نشان دادند. برنامه جهانی غذا نیز هشدار داد ادامه بحران می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای قیمت

مواد غذایی و امنیت معیشتی میلیون‌ها نفر در کشورهای آسیب‌پذیر داشته باشد. هم‌زمان گزارش‌هایی از حوادث دریایی در آب‌های عمان و نزدیکی بندر صحران منتشر شد. وقوع آتش‌سوزی در یک کشتی و مفقودشدن برخی خدمه، بر نگرانی‌ها درباره امنیت کشتیرانی افزود. تنگه هرمز که همواره یکی از حساس‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان بوده، بار دیگر به مرکز نگرانی‌های بین‌المللی تبدیل شد.

پاسخ ایران؛ از بحرین و کویت تا اردن، گسترش میدان رویارویی
واکنش ایران به حملات آمریکا فقط چند ساعت بعد آغاز شد.

ارتش و سپاه پاسداران در بیانیه‌های جداگانه از اجرای عملیات متقابل علیه مواضع آمریکا در منطقه خبر دادند. براساس این بیانیه‌ها، ناوگان پنجم آمریکا از بحرین و چندین پایگاه اهمیت‌تای در فهرست اهداف قرار گرفتند. نخستین گزارش‌ها از حملات پهنپادی به ناوگان پنجم آمریکا در بحرین حکایت داشت. سپاه اعلام کرد این اقدام در پاسخ مستقیم به حملات صورت‌گرفته علیه جنوب ایران انجام شده است. ساعاتی بعد نیز منابع مختلف از شنیده‌شدن صدای انفجار در بحرین خبر دادند و وزارت کشور بحرین از به صدا درآمدن آژیرهای هشدار خبر داد.

هم‌زمان کویت نیز از حملات موشکی و پهپادی خبر داد. ارتش کویت اعلام کرد سامانه‌های پدافندی این کشور برای مقابله با اهداف هوایی فعال شده‌اند. در ادامه، گزارش‌هایی از حملات جدید به پایگاه‌های آمریکایی در کویت منتشر شد. در محور دیگر، سپاه از هدف قراردادن پایگاه الازرق در اردن خبر داد. به گفته روابط عمومی سپاه، چهار هدف مهم از جمله مراکز فرماندهی و آشیانه‌های جنگنده‌ها در این پایگاه مورد حمله قرار گرفته‌اند. منابع نظامی ایرانی بعدتر مدعی شدند ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد اهداف تعیین‌شده با موفقیت مورد اصابت قرار گرفته‌اند. در کنار این حملات، نبرد پهپادی نیز ادامه داشت. سپاه از انتقاد یک فروند پهپاد MQ-9 از آسمان شهرستان جم خبر داد و پدافند هوایی نیز یک پهپاد دیگر را در خوزستان سرنگون کرد. این تحولات نشان داد رویارویی دو طرف فقط محدود به حملات موشکی نیست و ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. اهمیت این پاسخ‌ها بیش از آنکه در میزان خسارت‌ها باشد، در پیام سیاسی و نظامی آن نهفته است. تهران تلاش کرده نشان دهد هرگونه اقدام نظامی علیه خاک ایران با واکنش متقابل مواجه خواهد شد و پایگاه‌های آمریکا در منطقه از این قاعده مستثنا نیستند. این رویکرد در واقع بخشی از راهبرد بازدارندگی ایران به شمار می‌رود؛ راهبردی که بر گسترش هزینه‌های هرگونه اقدام نظامی تاکید دارد.

تهران چه می‌گوید؟

در کنار تحولات نظامی، مقام‌های ایرانی تلاش کردند روایت رسمی تهران از بحران را نیز تبیین کنند. مهم‌ترین محور این روایت، رد مسئولیت حادثه بالگرد آ‌پاچی بود. معاون وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با الجزیره تاکید کرد تهران هیچ نقشی در هدف قراردادن عمدی این بالگرد نداشته و اساساً چنین تصمیمی اتخاذ نشده است. این موضع در حالی مطرح شد که برخی مقام‌های آمریکایی مدعی بودند خواهد موجود نشان می‌دهد حادثه عمدی بوده است. حتی برخی رسانه‌های غربی از او واشینگتن خبر داده‌اند؛ اما این مدعی می‌گفتند. با این حال مقام‌های ایرانی تاکید کردند چند عملیات تهاجمی هوایی به تنگه هرمز طی ۲۴ ساعت گذشته انجام نشده است. البته پس از حملات متقابل، عباس عراقچی نیز در مواضع متعدد بر حق دفاع مشروع ایران تاکید کرد. او ضمن محکوم‌کردن حملات آمریکا، اعلام کرد نیروهای مسلح کشور هیچ تهدید یا تجاوزی را بی‌پاسخ نخواهند گذاشت. عراقچی همچنین در نامه‌ای به اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آمریکا را عامل اصلی بحران دانست و نسبت به سیاسی‌شدن نهادهای بین‌المللی هشدار داد.

آخرین تلاش‌ها برای جلوگیری از انفجار بزرگ

با وجود تبادل آتش و تشدید تنش‌ها، هنوز تلاش‌های دیپلماتیک متوقف نشده است. به ادعای فاکس نیوز و نیز ایسنا، سه طرف قطری به تهران مهم‌ترین نشانه این تحرکات به شمار می‌رود. منابع مختلف از رازینی این هیئت درباره اختلافات باقی‌مانده میان تهران و واشینگتن خبر داده‌اند؛ اما این نشانه‌ها می‌دهد میانجی‌های منطقه‌ای همچنان به امکان جلوگیری از فروپاشی کلی روند سیاسی امیدوارند. قطر تنها بازیگر فعال ایران، ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان، چین و روسیه نیز طی ساعات اخیر پیام‌های متعددی درباره ضرورت خویشن‌داری ارسال کرده‌اند. تماس‌های تلفنی میان وزیر خارجه ایران و همتایان ترکیه‌ای و سعودی او نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. روسیه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی را غیرقابل قبول خوانده و خواستار توقف فوری حملات شده است. چین نیز بر لزوم دستیابی فوری به آتش‌بس تاکید کرده و از دو طرف خواسته اقدامات ملموسی برای کاهش تنش انجام دهد. پاکستان نیز در شورای امنیت هشدار داده ادامه بحران می‌تواند منطقه را وارد مرحله‌ای بسیار خطرناک‌تر کند. با این حال، واقعیت میدانی چندان امیدوارکننده نیست، چون هر حمله جدید، سطح بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و فضای لازم برای توافق را محدودتر می‌کند. حتی در آمریکا نیز مواضع متناقض درباره آینده مذاکرات دیده می‌شود. برخی مقام‌ها از نزدیک‌بودن توافق سخن می‌گویند و برخی دیگر از حملات گسترده‌تر حرف می‌زنند. در تهران نیز تردیدها رو به افزایش است. مقام‌های ایرانی آشکارا اعلام کرده‌اند روند دیپلماتیک در شرایط فعلی نیازمند بازنگری است. این موضع نشان می‌دهد مذاکرات دیگر مانند گذشته از پشتوانه سیاسی لازم برخوردار نیست. در همین باره اسماعیل بقایی، سخنگوی مذاکرات و وزارت امور خارجه، نیز تصریح کرد ادامه روند مذاکرات بعد از حملات آمریکا نیازمند بررسی مجدد شرایط است. او گفت دیپلماسی در خلا معنا ندارد و هنگامی که حملات نظامی ادامه دارد، بقیش گفت‌وگوها شاد خواهد بود. بقایی همچنین از پیام‌های متناقض واشینگتن و تقویت مکرر آتش‌بس انتقاد کرد. در سطح سیاسی داخلی نیز مسعود پزشکیان بر ضرورت پایان‌دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» تاکید کرد. او با اشاره به دیدگاه‌های پیشین رهبر فقید انقلاب عنوان کرد باید راهی برای حل‌وفصل این وضعیت پیدا شود و کشور از بلاتکلیفی راهبردی خارج شود. مجموعه اخبار و گزارش‌ها از شکننده‌ترشدن ابهری از پیش آتش‌بس دو‌ماهه حکایت می‌کند و در چنین فضای، منطقه در برزخی راهبردی میان جنگ و دیپلماسی قرار گرفته است؛ وضعیتی پیچیده و لغزان که نه امکان بازگشتن آسان و کم‌هزینه به مسیر گفت‌وگو را فراهم می‌کند و نه هنوز به نقطه گریزپذیر یک رویارویی فرایر رسیده است. این وضعیت تعلیقی، بیش از آنکه نشانه ثبات باشد، بازتاب نوعی بی‌ثباتی پنهان است؛ زیرا در شرایطی که سطح تنش‌ها به‌طور مداوم افزایش می‌یابد و اعتماد میان طرف‌های درگیر به پایین‌ترین سطح خود رسیده، هر حادثه پیش‌بینی نشده، هر خطای محاسباتی و حتی هر سو‌برداشت سیاسی یا نظامی می‌تواند زمینه‌ساز عبور بحران از مرزهای کنونی و ورود آن به مرحله‌ای پررهنه‌تر و غیرقابل کنترل‌تر شود. در عین حال، اگرچه هنوز هموز پل‌های ارتباطی فرو نریخته و تلاش‌های دیپلماتیک از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ادامه دارد، اما واقعیت‌های میدانی حکایت دیگری را روایت می‌کنند. میانجی‌ها همچنان در پی یافتن راهی برای مهار بحران هستند، ولی سرعت تحولات نظامی و شتاب چرخه واکنش‌های متقابل، از ظرفیت سازوکارهای سیاسی پیشینی گرفته است. در نتیجه، دیپلماسی امروز بیش از هر زمان دیگری در سایه سنگین تحولات امنیتی قرار دارد؛ سایه‌ای که با هر دور تازه از تنش گسترده‌تری می‌شود و افق دستیابی به تفاهم را دورتر از گذشته نشان می‌دهد. از همین رو، آنچه اکنون در برابر منطقه قرار گرفته نه صرفاً یک بحران مقطعی، بلکه آزمونی تعیین‌کننده برای توان بازیگران در جلوگیری از لغزش به سوی رویارویی‌ای است که پیامدهای آن می‌تواند فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی خاورمیانه گسترش یابد.

۹۳۰ ادامه از صفحه اول

^[1] در نتیجه این محله، بیش از ۲۰ هزار نفر با مشکل جدی تأمین آب مواجه شدند

^[2] مقام‌های محلی اعلام کردند تخریب آب در بخش وسیعی از منطقه متوقف شده و تیم‌های عملیاتی در حال تلاش برای ایجاد مسیرهای جایگزین هستند